

Evaluation of Economic Growth Acceleration and Reversal Periods in Iran (With an emphasis on Structural Changes and Within-Sector Productivity)

Mona Amiri^{*}, Esfandiar Jahangard^{}**

Mohammad Ghasemi Sheshdeh^{*}, Sirous Omidvar^{****}**

Abstract

Economic growth acceleration is one of the critical topics and a relatively new concept in macroeconomic studies, which has received less attention in research related to economic growth in Iran. Examining growth acceleration aims to find turning points in the country's economic performance. Since growth spurts are related to limited changes in policy reforms, examining the acceleration of economic growth helps policymakers adopt a short-term growth strategy. With a review of global experiences, the acceleration of growth experienced in most of the developing countries has been exhausted and is not reproduced in their economy and does not continue. Therefore, evaluating periods of acceleration and reversal of economic growth is very important. In this study, after determining the period of accelerations and reversals of economic growth in Iran during the years 1955-2019, the period of growth acceleration is analyzed under the Within-Effect and Shift-Effect, using the Modified Shift-Share

* Ph.D. student of Economics, Department of Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author), mona.amiri991@gmail.com

** Associate Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, ejahangard@gmail.com

*** Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, mohghasemi@atu.ac.ir

**** Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, syrous_omidvar@yahoo.com

Date received: 2023/01/23, Date of acceptance: 2023/05/13



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

method. The research results show that the only period of accelerated economic growth experienced in Iran during the investigated period happened in 1965. Also, in 1975 and 1985, Iran's economy experienced a reversal in economic growth and entered a period of deep recession. Second, the Modified Shift-Share method results show that in 2014, both positive structural changes and within-sector productivity positively created growth acceleration, and the resulting growth was fast and stable.

Keywords: Growth Acceleration, Structural Changes, Within-Sector Productivity, Modified Shift-Share.

JEL Classification: O41 ,L16 ,J24

ارزیابی دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی در ایران (با تأکید بر تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی)^۱

مونا امیری*

اسفندیار جهانگرد**، محمد قاسمی ششده***، سیروس امیدوار****

چکیده

شتاب رشد اقتصادی یکی از مباحث مهم و مفهومی نسبتاً جدید در مطالعات اقتصاد کلان است که در پژوهش‌های مرتبط با رشد اقتصادی در ایران کمتر مورد توجه بوده است. هدف از بررسی شتاب رشد، یافتن نقاط عطف در عملکرد اقتصادی کشورها است. از آنجایی که در عمل، جهش‌های رشد با طیف محدودی از اصلاحات سیاستی در ارتباط هستند، لذا، بررسی شتاب رشد اقتصادی، سیاستگذاران را در اتخاذ راهبرد کوتاه‌مدت رشد یاری می‌رساند. با مروری بر تجارب جهانی ملاحظه می‌شود که آثار شتاب رشد تجربه شده در اغلب کشورهای در حال توسعه، تخلیه شده و در اقتصاد آن‌ها بازتولید نمی‌شود و استمرار نمی‌یابد. بنابراین، ارزیابی دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. در این راستا، پژوهش حاضر پس از تعیین دوره شتاب و بازگشت رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۳۴، با استفاده از رهیافت انتقال سهم تعدیل‌یافته به تجزیه دوره شتاب رشد تحت دو اثر درونی و انتقال نموده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که نخست، تنها دوره

* دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)،
mona.amiri991@gmail.com

** دانشیار گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی،
ejahangard@gmail.com

*** استادیار گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی،
mohghasemi@atu.ac.ir

**** استادیار گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی،
syrous_omidvar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳



شتاب رشد اقتصادی تجربه شده در ایران طی دوره مورد بررسی، در سال ۱۳۴۴ اتفاق افتاده است. همچنین در دو سال ۱۳۵۴ و ۱۳۶۴، اقتصاد ایران بازگشت رشد اقتصادی و ورود به دوران رکود عمیق را تجربه نموده است. دوم، نتایج حاصل از رهیافت انتقال سهم تعدیل یافته نشان می‌دهد که در سال ۱۳۴۴، هر دو عامل تغییرات ساختاری مثبت و بهره‌وری درون‌بخشی در ایجاد شتاب رشد تأثیر داشته‌اند و رشد حاصل نیز سریع و پایدار بوده است.

کلیدواژه‌ها: شتاب رشد اقتصادی، تغییرات ساختاری، بهره‌وری درون‌بخشی، انتقال سهم تعدیل یافته

طبقه‌بندی JEL: O41, L16, J24

۱. مقدمه

دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، یکی از اهداف اساسی کشورهای در حال توسعه و از موضوعات حائز اهمیت برای سیاستگذاران اقتصادی این کشورها است. تجربه رشد اقتصادی در کشورهای مختلف طی چند دهه اخیر بسیار متنوع و متفاوت بوده است. در این دوره، برخی از کشورها پس از تجربه سال‌ها رکود به رشد اقتصادی سریع دست یافتند؛ رشد اقتصادی در بعضی از کشورها پس از یک دوره رشد سریع سقوط کرده است و برخی دیگر هیچ‌گاه رشد پایدار اقتصادی را تجربه نکرده‌اند (رودریک، ۱۳۹۷). لذا سالیان متمادی است که اقتصاددانان و سیاست‌گذاران در پی یافتن پاسخ این پرسش هستند که چرا برخی کشورها رشد سریع‌تری را نسبت به سایرین، تجربه می‌کنند؟ مروری بر ادبیات نظری و تجربی رشد - به‌خصوص از دهه ۹۰ میلادی به این سو - حکایت از آن دارد که رشد اقتصادی مثبت تجربه شده در اغلب کشورها، به‌صورت سیکلی و دوره‌ای بوده و تنها تعداد معدودی از آن‌ها موفق به تجربه رشد مستمر اقتصادی طی چند دهه اخیر شده‌اند (Easterly, 1993).

یکی از امیدوارکننده‌ترین جنبه‌های حقایق آشکار شده مربوط به رشد اقتصادی این است که شروع رشد در بازه زمانی بسیار کوتاهی اتفاق می‌افتد. در تأیید این امر می‌توان از مفهوم شتاب رشد (Growth Acceleration) استفاده کرد (رودریک، ۱۳۹۷). بررسی شتاب رشد اقتصادی، سیاستگذاران را در اتخاذ راهبرد کوتاه‌مدت رشد یاری می‌رساند؛ زیرا در عمل، جهش‌های رشد با طیف محدودی از اصلاحات سیاستی در ارتباط هستند. با این حال، آنچه اهمیت دارد حفظ و پایداری رشد حاصل است. با مروری بر تجارب جهانی ملاحظه می‌شود که شتاب رشد تجربه شده در اغلب کشورهای در حال توسعه، تخلیه شده و در اقتصاد آن‌ها

ارزیابی دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی ... (مونا امیری و دیگران) ۵

بازتولید نمی‌شود و استمرار نمی‌یابد (Diao and et al., 2019). به عبارت دیگر، اغلب جهش‌های ناگهانی در رشد، در نهایت امر متوقف شده‌اند (رودریک، ۱۳۹۷).

شتاب رشد، معمولاً با کاهش دوگانگی (Dualism) اقتصاد همراه است که به صورت بازتخصیص بخشی (Sectorial Reallocation) نیروی کار (از بخش‌های با بهره‌وری کم به بخش‌های با بهره‌وری بالاتر) اتفاق می‌افتد که همان مفهوم تغییرات ساختاری در اقتصاد است (Berthelemy, 2018). تجارب موفق رشد در کشورهای آسیای شرقی، آفریقایی و آمریکای لاتین نیز نشان می‌دهند که جابه‌جایی نیروی کار از بخش کشاورزی با بهره‌وری پایین، به بخش مدرن تولیدی با بهره‌وری بالا، نقشی اساسی در رشد اقتصادی پایدار این کشورها ایفا نموده است (Diao and et al., 2019; Berthelemy, 2018). لذا به منظور واکاوی منابع و پایداری شتاب رشد می‌توان از رشد بهره‌وری نیروی کار و تجزیه آن به دو بخش تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی (Within-Sector Productivity) استفاده کرد (Diao and et al., 2019).

بر اساس مطالعات صورت گرفته، تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران شکل گرفته و بر رشد اقتصادی، سهم اشتغال و توزیع درآمد تأثیرگذار بوده است (امیدپور، ۱۳۹۰؛ آهنگری، ۱۳۹۱؛ واعظی‌زاده، ۱۳۹۲؛ سیر، ۱۳۹۵). با این حال، کشور ما علی‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های خارق‌العاده نظیر درآمدهای سرشار حاصل از صادرات مواهب زیرزمینی و تزریق آن به اقتصاد و همچنین اتخاذ طیف متنوعی از سیاست‌های اقتصادی در گذشته، نتوانسته است از دام رشد پایین اقتصادی رهایی یابد. به دیگر سخن، یکی از مسائل و مشکلات اساسی که اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر با آن مواجه بوده، کم‌رشدی است.

با مروری بر مسیر تاریخی حرکت رشد اقتصادی مشاهده می‌گردد که ایران دوره‌هایی از رشد اقتصادی دورقمی و بالا و دوره‌هایی از کاهش شدید رشد اقتصادی و منفی شدن نرخ رشد را تجربه نموده است. نرخ رشد اقتصادی تجربه شده در ایران، طی بیست سال منتهی به انقلاب اسلامی، به طور میانگین ۱۰٫۸ درصد رشد داشته، در حالی که پس از آن، این عدد به طور میانگین به ۱٫۹ درصد (تقریباً یک پنجم) رسیده است.

مطالعات چندانی پیرامون شتاب رشد اقتصادی در ایران و نقش تغییرات ساختاری صورت پذیرفته است. عمده مطالعات خارجی بر یافتن دوره‌های شتاب رشد در اقتصاد کشورهای نوظهور در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیای شرقی و عوامل موثر بر آن متمرکز هستند. در مطالعات داخلی نیز، اغلب به بررسی عوامل موثر بر رشد پرداخته شده است. در واقع، مسئله‌ی

اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا اقتصاد ایران شتاب رشد را تجربه نموده است یا خیر؟ بنابراین، هدف این مقاله آن است تا ضمن واکاوی شتاب رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۳۴، به بررسی نقش دو عامل تغییرات ساختاری و بهره‌وری نیروی کار درون‌بخشی بر شتاب رشد اقتصادی بپردازد.

به منظور پاسخ به پرسش اساسی مقاله، مطالب در پنج محور اصلی سازماندهی شده است. در ابتدا، به چارچوب نظری و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. سپس، مدل و متغیرهای اصلی آن معرفی می‌گردند. در بخش چهارم، مدل تحقیق برآورد و پرسش اساسی مقاله مورد آزمون قرار گرفته است. در نهایت در بخش پایانی، جمع‌بندی مهم‌ترین یافته‌های تحقیق ارائه شده است.

۲. چهارچوب نظری و پیشینه پژوهش

نظریات رشد در اقتصاد همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است و از ابتدای تحلیل منظم اقتصادی در زمان اقتصاددانان کلاسیک جایگاه بالایی در مباحث و تحلیل‌های اقتصادی داشته است. با این حال، در مطالعات اقتصادی صورت گرفته در زمینه‌ی رشد اقتصادی از سال‌های پایانی سده‌ی بیستم میلادی به این سو، تمرکز بر توضیح روندهای میان‌مدت تا بلندمدت رشد کم‌رنگ شده و جای خود را به مطالعه عوامل موثر بر شتاب و یا کندی رشد داده است (Timmer & Vries, 2009).

شتاب رشد اقتصادی مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات رشد اقتصادی است و هدف از بررسی آن، یافتن نقاط عطف در عملکرد اقتصادی کشورها می‌باشد. یکی از اولین پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه شتاب رشد اقتصادی، مطالعه ایسترلی (Easterly) و همکاران (۱۹۹۳) بوده است. آن‌ها در مطالعه خود نشان دادند که عملکرد رشد، تمایل زیادی به ناپایداری دارد. در واقع، در طول چندین دهه، تعداد بسیار کمی از کشورها، به‌طور مستمر نرخ رشد بالایی را تجربه نموده‌اند و الگوی رایج در تجربه کشورها، پیمودن مراحل مختلف رشد اقتصادی بوده است. به عبارت دیگر، در کشورهای توسعه‌یافته، نرخ رشد اقتصادی همگرا است و می‌توان در رده‌بندی رشد اقتصادی، کشورهای مذکور را در یک گروه طبقه‌بندی نمود. این درحالی است که نرخ رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته رفتار باثباتی ندارد و رفتار نرخ‌های رشد گاهی به صورت انفجاری و گاهی با کاهش چشمگیر مواجه است. لذا بررسی رفتار نرخ رشد اقتصادی در جهان حاکی از واگرایی میان نرخ‌های رشد در اقتصاد توسعه‌یافته با اقتصاد توسعه‌نیافته است (Pritchett, 1997).

ارزیابی دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی ... (مونا امیری و دیگران) ۷

البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که با نگاهی به تاریخچه دوره‌های شتاب رشد، مشاهده می‌شود که در برخی دوره‌های زمانی محدود، نرخ‌های رشد حاصل از شتاب رشد آغاز شده در برخی کشورهای توسعه‌نیافته (مانند کشورهای آمریکای لاتین و یا کشورهای آفریقایی)، با نرخ‌های رشد و روند آن در کشورهای توسعه‌یافته همگرا شده، اما پایدار نبوده است (Diao and et al., 2019).

از سال ۱۹۵۰ به این سو، کشورهای نوظهور شتاب‌های رشد متعددی را تجربه نموده‌اند که به دنبال آن، دوره‌هایی از شتاب رشد، رکود و یا حتی بحران در اقتصاد کشورهای مذکور ایجاد شده است. مهم آن است که تنها در صورتی رشد پایدار در اقتصاد کشورها اتفاق می‌افتد و آن‌ها را از تله درآمد متوسط (Middle Income Traps) رهایی می‌دهد که دوره‌های شتاب رشد، به صورت مداوم خود را بازتولید نمایند (Berthelemy, 2018).

برای نخستین بار، تعریف تخصصی شتاب رشد اقتصادی در مقاله هاسمن (Hausmann) و همکاران (۲۰۰۵) ارائه گردید که مبنای مطالعات بعدی نیز قرار گرفت. آنان شتاب رشد اقتصادی را افزایش در رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه یک اقتصاد، معادل ۲ واحد درصد یا بیشتر (نسبت به ۵ سال قبل از آن) تعریف نمودند که حداقل به مدت ۸ سال ادامه یابد.

یکی از محدودیت‌های مدل ارائه شده از سوی هاسمن و همکاران آن است که در اندازه‌گیری شتاب رشد در اقتصاد کشورها، تنها افزایش درآمد سرانه را مبنای کار خود قرار داده است. این موضوع در حالی است که، دستیابی به رشد درآمد سرانه در ارقام پایین‌تر آسان‌تر صورت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، دو کشور را با جمعیت یکسان در نظر بگیرید. در یکی از کشورها تولید ناخالص داخلی ۲۰۰۰ دلار و دیگری ۱۰۰۰۰ دلار است. افزایش ۵ برابری درآمد سرانه در کشور اول، به مراتب سهل‌الوصول‌تر از افزایش ۷۰ درصدی درآمد سرانه در کشور دوم است.

یکی دیگر از نکاتی که در مطالعه هاسمن و همکاران مغفول مانده، آن است که معمولاً دوره‌های شتاب رشد بعد از مدتی پایان می‌یابد. پژوهشگران به توقف و یا کندی شتاب رشد در تحقیق خود اشاره‌ای نداشته‌اند. با این حال، مدل ارائه شده در پژوهش هاسمن و همکاران، علی‌رغم محدودیت‌های اشاره‌شده، هم‌چنان مبنای کار مطالعات مرتبط با شتاب رشد اقتصادی است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، رشد سریع اقتصادی به تنهایی ضامن دستیابی اقتصاد کشورها به توسعه‌یافتگی نیست و آنچه که اهمیت دارد حفظ و پایداری رشد حاصله بوده که به مراتب دشوارتر و چالش‌برانگیزتر است. جونز (Jones) و اولکن (Olken) (۲۰۰۷)، با مطالعه بر روی شروع و توقف دوره‌های رشد در کشورهای منتخب نشان دادند که کشورهای بسیار ثروتمند، هم دوره شتاب و هم دوره توقف رشد اقتصادی را تجربه نموده‌اند و هر دو دوران شتاب و توقف رشد پدیده‌ای نامتقارن هستند. آن‌ها در مقاله خود به این نتیجه دست یافتند که دوره‌های توقف رشد اقتصادی معمولاً با کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش بی‌ثباتی قیمت‌ها همراه هستند؛ در حالی که دوره‌های جهش و شتاب رشد، توسعه و گسترش تجارت بین‌المللی را با خود به همراه داشته‌اند. همچنین نتایج مطالعه آنان حکایت از آن دارد که هرچند رشد سریع اقتصادی در کشورهای بسیار فقیر نیز اتفاق افتاده، اما حفظ و پایداری رشد در این کشورها بسیار دشوار بوده و چالش‌های متعددی را برای آنان ایجاد نموده است.

به‌طور کلی، عوامل متعددی در ایجاد شتاب رشد و یا توقف آن دخیل هستند. جانگ پین (Jong-Pin) و هان (Haan) (۲۰۱۱)، این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند که آیا نوع رژیم سیاسی، شیوه‌های تغییر رژیم سیاسی و فرآیند آزادسازی اقتصادی با شتاب‌گیری رشد اقتصادی ارتباط دارد یا خیر. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در اثر آزادسازی اقتصادی، رشد شتاب می‌گیرد. به‌علاوه، هرچه رژیم سیاسی (Political Regime) - خواه از نوع مردم‌سالاری و خواه از نوع رژیم سیاسی خودکامه - برای مدتی طولانی‌تر در حاکمیت باقی بماند، احتمال شتاب گرفتن رشد اقتصادی کمتر است.

رضانژاد امیردهی (۱۳۸۹)، طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۸ به بررسی شتاب رشد اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی حسابداری رشد پرداخته و نتیجه گرفته است که بیشترین توضیح‌دهی نوسانات رشد توسط متغیر تولید ناخالص داخلی صورت می‌گیرد و سهمی بیش از ۷۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. پس از آن، بیشترین توضیح‌دهی مربوط به نوسانات رشد تولید ناخالص داخلی با نفت، به ترتیب متغیر جنگ، نسبت مخارج جاری دولت به GDP و تورم انجام می‌شود. درباره الگوی تولید ناخالص داخلی بدون نفت، بیشترین توضیح‌دهی مربوط به نوسانات رشد اقتصادی به ترتیب توسط سهم سرمایه‌گذاری کل به تولید ناخالص داخلی، جنگ، تورم و درجه باز بودن اقتصاد است.

جهانگرد و اقلامی (۱۳۸۹)، در مقاله خود به بررسی تأثیر قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه بر شتاب رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۶ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد

مدل تعریف شده آنان با استفاده از سه روش پروبیت، لاجیت و گامپیت نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران اصلاحات اقتصادی در قالب قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه تأثیر مثبت بر وقوع شتاب‌های رشد داشته‌اند. لذا در یک جمع‌بندی کلی و براساس مطالعات صورت گرفته، کمیت و کارایی سرمایه‌گذاری، درجه باز بودن اقتصاد و آزادسازی اقتصادی، ثبات وضعیت سیاسی و کارآمدی دولت بر احتمال ایجاد شتاب رشد تأثیرگذار هستند.

مفهوم دیگری که در مقابل شتاب رشد قرار دارد، کندی رشد است. ایشن‌گرین (Eichengreen) و همکاران (۲۰۱۴)، کندی رشد (growth slowdowns) اقتصادی را در کشورهای با رشد سریع و دارای درآمد متوسط طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۵۷ مورد واکاوی قرار دادند. آن‌ها، دوره‌های کندی شتاب را تحت تحقق سه شرط اساسی دانسته‌اند: اولاً، میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بین سال‌های t و $t-n$ حداقل ۰.۰۳۵ باشد. ثانیاً، تفاوت میان میانگین نرخ رشد GDP سرانه بین سال‌های t و $t-n$ با سال‌های t و $t+n$ حداقل ۰.۰۲ باشد. ثالثاً، GDP سرانه بزرگتر از ۱۰.۰۰۰ دلار باشد. براساس نتایج این مقاله، در کشورهای با درآمد متوسط، رشد اقتصادی در مراحل متوالی (نه در یک مقطع زمانی واحد) کاهش می‌یابد. همچنین، احتمال رخ دادن دوره‌های کندی شتاب در کشورهایی که جمعیت دارای سطح تحصیلات متوسطه و بالاتر بیشتری دارند و همچنین محصولات با تکنولوژی بالا، سهم نسبتاً زیادی از صادرات را به خود اختصاص داده، کمتر محتمل است.

اولین شرط اساسی برای پایداری شتاب رشد آن است که بازگشت‌پذیر نباشد. گروس (Gruss) و همکاران (۲۰۱۸)، با استفاده از داده‌های اقتصادی بازارهای نوظهور (EMED)، شتاب و بازگشت رشد را طی بازه‌ی زمانی ۲۰۱۴-۱۹۷۰ در کشورهای مذکور مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که از ۱۲۷ کشور مورد مطالعه، ۹۵ کشور شتاب پایدار و ۳۲ کشور شتاب ناپایدار را تجربه نمودند. همچنین، از میان ۳۲ کشور، شتاب رشد در ۱۲ کشور معکوس شده و بازگشت داشته است. ۱۸ کشور با بحران بانکی مواجه شدند و ۲ کشور هر دو مورد را تجربه نمودند.

یکی دیگر از شروط اساسی پایداری شتاب رشد ایجاد شده آن است که رشد اقتصادی همراه با کاهش دوگانگی در اقتصاد و تغییرات ساختاری باشد (Berthelemy, 2018). در مراحل ابتدایی توسعه‌یافتگی، نقش تغییرات ساختاری سریع به‌عنوان محرک رشد اقتصادی، بسیار پررنگ است (McMillan and et al., 2017). در واقع، بدون در نظر گرفتن تغییرات

ساختاری، فرآیند رشد اقتصادی در کشورها قابل توضیح نیست و همچنین امکان بسط نظریه توسعه اقتصادی مطلوب و جامع وجود ندارد (Marjanović, 2015).

اساس نظریه تغییرات ساختاری بر پایه مفهوم اقتصاد دوگانه (Dual economy) پایه‌ریزی شده است. بدین مفهوم که در مسیر توسعه‌یافتگی، ساختار اقتصاد کشورها از بخش کشاورزی و سنتی به بخش صنعتی و خدماتی تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، تغییر ساختاری، فرآیند انتقال منابع اقتصاد از فعالیت‌های سنتی با بهره‌وری پایین به سمت فعالیت‌های مدرن با بهره‌وری بالا تعریف می‌شود (رودریک، ۱۳۹۷) و تعریف ارائه شده، از بهترین تعاریف موجود برای تغییرات ساختاری در چارچوب اقتصاد دوگانه کلاسیک است (Timmer & Vries, 2009).

بنابراین، آنچه در مراحل ابتدایی توسعه‌یافتگی در طول دوران شتاب رشد نقش ویژه و اساسی ایفا می‌نماید، بازتخصیص نیروی کار از بخش‌های با بهره‌وری پایین به بخش‌های با بهره‌وری بالا است که همراه با کاهش تدریجی دوگانگی در اقتصاد اتفاق می‌افتد و همانطور که پیش‌تر اشاره شد، این امر موجب پایداری شتاب رشد اقتصادی می‌شود.

در واقع، در سال‌های آغازین مسیر توسعه‌یافتگی، تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی نقش مهمی را در ایجاد رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. با گذر زمان و عبور از مراحل اولیه توسعه‌یافتگی، از شکاف‌های بهره‌وری ساختاری کاسته خواهد شد که این امر، موجب کاهش بازتخصیص بین بخشی نیروی کار می‌گردد. با این حال، بهره‌وری درون‌بخشی در طول فرآیند رشد اقتصادی از اهمیت و نقش یکسانی برخوردار است و حتی نقش این عامل با گذر زمان، اهمیت بیشتری می‌یابد (Diao and et al., 2019).

تیمر (Timmer) و وریس (Vries) (۲۰۰۸)، با بررسی ۱۹ کشور در آسیا و آمریکای لاتین طی دوره زمانی ۱۹۵۰-۲۰۰۵، دلایل تجربی رکود بخش‌های مختلف را در رشد بهره‌وری کل مورد مطالعه قرار دادند، و سهم هر بخش را بر شتاب رشد اقتصادی با به‌کارگیری روش Shift-Share و مدل هاسمن و همکاران، برای تعیین دوره‌های شتاب و کاهش سرعت در رشد نشان دادند. در این تحقیق، بازتخصیص منابع، محرک اصلی شتاب رشد و کاهش سرعت در رشد کل اقتصاد نیست و پیشرفت بهره‌وری در بین بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش تولیدی و خدمات بازار، اهمیت زیادی برای رشد در آسیا و آمریکای لاتین از زمان ۱۹۵۰ داشته است. براساس این پژوهش، شتاب رشد منجر به افزایش بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود.

با توجه به موضوعات مطرح شده، یکی از خلأهای پژوهشی در مطالعات داخلی، بررسی رفتار شتاب رشد اقتصادی با تأکید بر تغییرات ساختاری و بهره‌وری نیروی کار است. بنابراین، این مقاله در پی آن است تا با پر کردن این خلأ به معرفی دوره‌های شتاب رشد اقتصادی در ایران و رفتار تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون بخشی در طول دوره‌های شتاب رشد اقتصادی بپردازد.

۳. روش‌شناسی

۱.۳ ارائه و توصیف مدل

در پژوهش حاضر، به منظور شناسایی دوره‌های شتاب رشد اقتصادی از فیلتر ارائه شده در مطالعه هاسمن و همکاران (۲۰۰۵) استفاده می‌گردد. بر این اساس، شتاب رشد اقتصادی عبارت است از افزایش در رشد تولید ناخالص داخلی سرانه یک اقتصاد، معادل ۲ واحد درصد یا بیشتر که حداقل در یک افق زمانی معین ($n+1$) ادامه یابد. افق زمانی در مطالعه هاسمن و همکاران (۲۰۰۵) و ایشن‌گرین (Eichengreen) و همکاران (۲۰۱۴)، ۸ ساله ($n=7$)، در مطالعه گروس (Gruss) و همکاران (۲۰۱۸)، ۶ ساله ($n=5$) و در مطالعه دیائو (Diao) و همکاران (۲۰۱۹)، ۷ ساله ($n=6$)، در نظر گرفته شده است. با توجه به آنکه نظام مدیریت اقتصادی در کشور ایران، نظام برنامه‌ریزی است و به‌طور میانگین برنامه‌های توسعه کشور در طی بازه زمانی ۹۸-۱۳۳۴، ۵.۵ سال به طول انجامیده است؛ لذا، افق زمانی در نظر گرفته شده در مقاله حاضر، ۶ ساله ($n=5$) است. لازم به ذکر است که انتخاب افق زمانی در مطالعه هاسمن و همکاران (۲۰۰۵) اختیاری عنوان شده است.

اگر روند نرخ رشد اقتصاد در زمان t و در افق زمانی n ($g_{t,t+n}$)، به صورت حداقل مربعات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی (y) (به قیمت ثابت)، از زمان t تا $t+n$ تعریف گردد:

$$\ln(y_{t+i}) = \alpha + g_{t,t+n} \times t, i = 0, \dots, n. \quad (1)$$

بر این اساس، دوره‌های در نظر گرفته شده برای رشد به صورت یک بازه زمانی تعریف می‌گردد و برای آن سه حالت زیر متصور است (Hausmann & et al., 2005):

اگر روند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه حداقل ۳.۵ درصد در سال باشد، رشد اقتصادی سریع است:

$$g_{t+n} \geq 3.5 \text{ ppa} \quad (2)$$

اگر نرخ رشد در طول یک دوره زمانی معین حداقل به میزان ۲ درصد، از نرخ رشد دوره زمانی معین در سال گذشته بیشتر باشد، رشد اقتصادی شتاب گرفته است:

$$\Delta g_t \geq 2.5 \text{ ppa} \quad (3)$$

معیار فوق، پایداری و عدم پایداری رشد را نشان می‌دهد. حد آستانه‌ای در مطالعه‌ی هاسمن و همکاران (۲۰۰۵)، ۲ درصد لحاظ شده و مقدار در نظر گرفته شده برای آن اختیاری است. در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع همگرایی در الگوی رشد و ویژگی در حال توسعه بودن ایران و همچنین، اندازه‌ی رشد بلندمدت کشور در نیم قرن اخیر، مقدار ۲.۵ درصد به-عنوان حد آستانه‌ای در نظر گرفته شده است (جهانگرد و اقلامی، ۱۳۸۹).

اگر میزان تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه در انتهای دوره زمانی معین، بزرگتر و یا مساوی بیشترین مقدار آن تا قبل از شروع دوره مذکور باشد، نرخ رشد پس از شروع شتاب، از نرخ رشد پیش از شروع شتاب پیشی گرفته است:

$$y_{t+n} \geq \max \{y_i\}, I \leq t \quad (4)$$

پس از شناسایی دوره‌های شتاب رشد، تعیین پایداری و یا عدم پایداری دوره‌های مذکور حائز اهمیت است. دوره شتاب پایدار (Persistent Acceleration Episode) زمانی اتفاق می‌افتد که شتاب رخ داده با برگشت همراه نباشد. دوره شتاب رشد در بازه زمانی $[t, t+n]$ ، زمانی برگشت پذیر است که: اولاً، میانگین نرخ رشد در دوران برگشت حداقل ۲ درصد کمتر از میانگین آن در طی دوران پیش از برگشت باشد ($g_{t, t+n} - g_{t, t+n} \geq 2$) و ثانیاً، تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه به‌گونه‌ای کاهش یابد که میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی در طول دوره $[t, t+n]$ پایین‌تر از میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی در طول دوره $[t-n, t]$ باشد (Gruss & et al., 2018).

همانطور که پیش‌تر بیان شد، در پس هر شتاب و یا کندی رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه، بازتخصیص نیروی کار به بخش‌های با بهره‌وری بالاتر نهفته است (Jones & Olken, 2007). در بسیاری از مطالعات، به‌منظور اندازه‌گیری سهم تغییرات ساختاری در رشد از رهیافت انتقال سهم (Shift-Share Analysis) استفاده می‌کنند. در روش انتقال سهم، رشد بهره‌وری کل به دو جزء درون‌بخشی و بین‌بخشی تقسیم می‌شود. به دیگر سخن، هر بخش از ساختار تولید در ایجاد رشد کل (aggregate growth) به دو طریق عمل می‌کند: یکی از طریق رشد بهره‌وری درون‌بخشی (اثر درونی (The Within-Effect)) و دیگری از طریق توسعه سهم خود در نهاده‌ی کل (اثر بین‌بخشی) یا انتقال (The Between- or Shift-Effect).

تیمر و وریس (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ی خود با معرفی روش انتقال سهم تعدیل یافته (Modified Shift-Share Method)، به بررسی نقش تغییرات ساختاری در شتاب رشد اقتصادی پرداخته‌اند که روش مورد استفاده در پژوهش حاضر نیز از مطالعه‌ی آنان اقتباس شده است. روش سستی انتقال سهم، اثر تغییرات ساختاری بر رشد بهره‌وری درون‌بخشی را در نظر نمی‌گیرد؛ در حالی که در متود تعدیل یافته، این مهم یکی از مفروضات است. مزیت استفاده از روش انتقال سهم تعدیل یافته نسبت به روش انتقال سهم سستی در آن است که، برخلاف روش سستی، رشد بهره‌وری نیروی کار را مستقل از تغییرات اشتغال نمی‌داند و به تغییرات ساختاری توجه می‌نماید (Timmer & Vries, 2009). لازم به ذکر است که روش اندازه‌گیری و محاسبه‌ی تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی در پژوهش حاضر، مبتنی بر الگوی ارائه شده در مطالعه‌ی مک‌میلان و همکاران (۲۰۱۷) است. بر این اساس، بهره‌وری کل نیروی کار به صورت زیر قابل تعریف است:

$$y_t = \sum_{i=1}^n \theta_{i,t} y_{i,t} \quad (5)$$

که در آن، y_t بهره‌وری کل نیروی کار در سال t ، $\theta_{i,t}$ نسبتی از کل نیروی کار شاغل در بخش i و در زمان t ، $y_{i,t}$ بهره‌وری نیروی کار در بخش i و در زمان t می‌باشد. تغییرات در بهره‌وری کل نیروی کار بین زمان t و $t-k$ به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\Delta y_t = \sum_{i=1}^n \theta_{i,t-k} \Delta y_{i,t} + \sum_{i=1}^n \Delta \theta_{i,t} y_{i,t-k} + \sum_{i=1}^n \Delta \theta_{i,t} \Delta y_{i,t} \quad (6)$$

در سمت راست رابطه (۶)، اولین جزء $(\sum_{i=1}^n \theta_{i,t-k} \Delta y_{i,t})$ ، تغییرات در بهره‌وری درون‌بخشی (Within-Sector Productivity Changes)، دومین جزء $(\sum_{i=1}^n \Delta \theta_{i,t} y_{i,t-k})$ ، تغییرات در بهره‌وری بین‌بخشی (Between-Sector Productivity Changes) و سومین جزء $(\sum_{i=1}^n \Delta \theta_{i,t} \Delta y_{i,t})$ ، تغییرات بهره‌وری در سراسر بخش‌های اقتصادی (Cross-Sector Productivity Changes) می‌باشد که در واقع، همان کواریانس بین بهره‌وری نیروی کار و سهم کل نیروی کار در بخش i و در زمان t است و اثر تغییرات همزمان در اشتغال بخشی و بهره‌وری را بر بهره‌وری کل نشان می‌دهد. با ترکیب جزء دوم و سوم از معادله (۶)، به عبارت جدیدی دست یافته که تغییرات ساختاری نامیده می‌شود. در نتیجه، عبارت نهایی به صورت زیر بازنویسی می‌گردد:

$$\Delta y_t = \sum_{i=1}^n \theta_{i,t-k} \Delta y_{i,t} + \sum_{i=1}^n y_{i,t} \Delta \theta_{i,t} \quad (7)$$

۲.۳ داده‌ها

در این مطالعه، آمارهای مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱، طی دوره زمانی ۱۳۳۴ تا ۱۳۹۸، از پایگاه داده‌های تاریخی مدیسون (Maddison Historical Statistics) (۲۰۲۰)، آمارهای مرتبط با نیروی کار از مجموعه‌ی سری زمانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و نتایج طرح آمارگیری نیروی کار و آمارهای مرتبط با تولید ناخالص داخلی برای سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۹۸ از سری زمانی حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده‌اند. برای سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ از برآورد تولید ناخالص داخلی که توسط خاوری‌نژاد (۱۳۸۸) انجام گرفته، استفاده شده است. همچنین، سری زمانی برای سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۹۸، به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ تبدیل شده است.

به‌منظور محاسبه بهره‌وری نیروی کار، تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه و شاخص‌های متعددی نیز جهت اندازه‌گیری آن معرفی شده‌اند که به تناسب آن، کاربردهای متفاوتی نیز دارند. انتخاب هر شاخص بستگی به هدف، نوع کاربرد و نیز میزان دسترسی به اطلاعات مورد نیاز جهت تهیه آن دارد. در مجموع، می‌توان انواع شاخص‌های بهره‌وری را به‌صورت شاخص‌های بهره‌وری تک‌عاملی و شاخص‌های چندعاملی، طبقه‌بندی نمود. در پژوهش حاضر، از شاخص بهره‌وری تک‌عاملی (نیروی کار) و برای اندازه‌گیری بهره‌وری، از روش مک‌میلان و همکاران (۲۰۱۶) استفاده شده است. در این روش، از مجموع حاصلضرب سهم اشتغال بخش‌های اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار بخش‌های موردنظر استفاده می‌شود.^۲

۴. برآورد مدل و تفسیر نتایج

۱.۴ تعیین دوره‌های شتاب و بازگشت رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در ایران

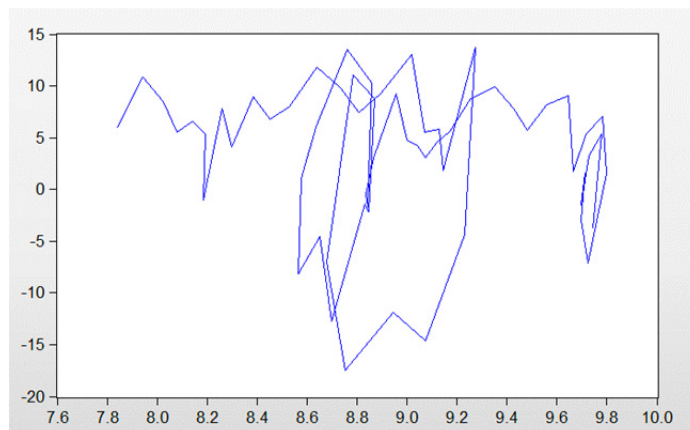
به‌منظور تعیین دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی در ایران سه گام اساسی باید طی شود که در ادامه به آن اشاره می‌گردد:

۱.۱.۴ گام اول - بررسی پویایی‌های رشد اقتصادی در ایران

پویایی‌های رشد را می‌توان با بررسی دو عامل لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه (محور افقی نمودار (۱)) و نرخ رشد آن (محور عمودی نمودار (۱)) بررسی نمود. اگر نرخ رشد GDP

ارزیابی دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی ... (مونا امیری و دیگران) ۱۵

سرانه مثبت باشد، نمودار در طول محور افقی به سمت راست و اگر منفی باشد، به سمت چپ حرکت می‌کند (Berthelemy, 2018).



نمودار ۱. پویایی‌های رشد اقتصادی در ایران طی بازه زمانی ۱۳۳۴-۱۳۹۸
منبع: یافته‌های پژوهش و خروجی نرم‌افزار Eviews 12

همانطور که ملاحظه می‌گردد، از منظر پویایی‌های رشد، الگوی رشد اقتصادی در ایران نامنسجم، نوسانی و ناپایدار بوده است.

۲.۱.۴ گام دوم- شناسایی دوره‌های آغازین و پایانی شتاب رشد

در این مطالعه، شناسایی تاریخ شروع دوره‌های شتاب رشد مبتنی بر مقاله‌ی ژانگ-ای-پین (Jong-A-Pin) و دی‌هان (De Haan) (۲۰۱۱) محاسبه شده است. آنان، شرط شروع دوره‌ی شتاب رشد را تحقق همزمان سه شرط (۲) تا (۴) - که در قسمت قبل به آن اشاره گردید- دانسته‌اند.

از آنجایی که هر دوره‌ای از شتاب رشد پس از مدتی به پایان می‌رسد، به‌منظور تعیین تاریخ اتمام شتاب رشد آغاز شده، از فیلتر هودریک-پرسکات (Hodrick-Prescott filter) (HP) استفاده می‌شود. فیلتر HP، یک فیلتر خطی دوطرفه است که با استفاده از حداقل نمودن واریانس y حول s با پارامتری که دیفرانسیل دوم s را محدود می‌کند، مقادیر روند و نوسانات را محاسبه می‌کند. مزیت استفاده از این فیلتر آن است که به‌دلیل دوطرفه بودن آن، مشکل تغییر فاز دوره از بین می‌رود و نوسانات ادواری کوتاه‌مدت حذف می‌گردند.

$$\sum_{t=1}^T (Y_t - S_t)^2 + \lambda \sum_{t=1}^T ((S_{t+1} - S_t) - (S_t - S_{t-1}))^2 \quad (۸)$$

هودریک و پرسکات مقادیر λ را برای داده‌های سالانه، فصلی و ماهانه به ترتیب ۱۰۰، ۱۰۰۰ و ۱۴۴۰۰ تعیین کرده‌اند (Alege, 2008). در این مقاله، اولین تاریخی که در آن نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به دست آمده از فیلتر HP، به پایین‌تر از ۱٪ نزول داشته است، به‌عنوان تاریخ پایان دوره شتاب رشد آغاز شده تعیین می‌گردد (Berthelemy, 2018). جدول (۱)، نتایج حاصل از محاسبات مرتبط با شتاب رشد اقتصادی در ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج محاسبات مرتبط با شتاب رشد اقتصادی در ایران طی بازه زمانی ۱۳۳۴-۹۸

منبع: یافته‌های پژوهش

۱۳۴۴	سال آغاز شتاب رشد (t)
۱۳۵۵	سال پایان شتاب رشد
۵	رشد در دوران قبل از شتاب (-5,t) درصد
۸۷	رشد در دوران پس از شتاب (t,t+5) درصد
۳۷	تفاوت در دوره‌های قبل و پس از شتاب- درصد
بله	آیا شتاب رشد همراه با افزایش درآمد سرانه بوده است؟
۲/۱	رشد پس از گذر ۵ سال از آغاز شتاب (t+5,1398) درصد

همانطور که در جدول (۱) ملاحظه می‌گردد، در بازه‌ی زمانی ۱۳۳۸-۹۸، اقتصاد کشور تنها یک دوره‌ی شتاب رشد را تجربه نموده که از سال ۱۳۴۴ شروع شده و به مدت ۱۰ سال ادامه داشته است. سال ۱۳۵۵ سال پایان دوره‌ی شتاب رشد بوده است. به‌لحاظ تاریخی، علت شروع دوران شتاب رشد در سال ۱۳۴۴، رخ دادن وقایع مهم در سال قبل از آن (۱۳۴۳)، بوده است. طی سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲، اقتصاد کشور با بحران مواجه گردید. عوامل متعددی در شکل‌گیری بحران اقتصادی ایجاد شده دخیل بوده‌اند. در پی اتخاذ سیاست‌های انبساطی، کشور با افزایش بیش از حد قیمت‌ها، کسری حساب جاری و کسری ترازپرداخت‌ها مواجه شد. ازدیاد تقاضا از ناحیه سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی موجب گردید که از سال ۱۳۳۷، موجودی ارزی کشور دچار نقصان شود و قیمت‌های داخلی افزایش یابد. موسسات دولتی بدون توجه به میزان و زمان برگشت وام، از خارج وام دریافت می‌کردند. در نتیجه، از

ارزیابی دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی ... (مونا امیری و دیگران) ۱۷

سال ۱۳۳۸، با شروع سررسید اقساط، اقتصاد کشور در پرداخت‌های ارزی با مشکل مواجه شد (کارشناس، ۱۳۸۲). از طرف دیگر، گسترش بیش از حد واردات در سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۳۴ که بر استقراض خارجی استوار بود، موجب بحران ترازپرداخت‌ها شد. همچنین، عدم هماهنگی میان سیاست‌های مالی و پولی و بروز اختلاف میان سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد و دارایی به تشدید بحران اقتصادی انجامید (زمانی، ۱۳۹۲: ۷۴).

در مقطعی که کشور دچار بحران اقتصادی شده بود، دولت ناگزیر به تقاضای کمک‌های فوق‌العاده از صندوق بین‌المللی پول و ایالات متحده و همچنین، اجرای برنامه تثبیت اقتصادی (مانند کنترل مستقیم اعتبارات بخش خصوصی، افزایش نرخ بهره، محدودیت واردات و کاهش مخارج دولت) به تجویز صندوق بین‌المللی پول گردید. در نتیجه‌ی اجرای این سیاست‌ها، رونق اقتصادی حاصل شده در سال ۱۳۳۶ به رکودی عمیق در سال ۱۳۳۹ منجر شد. بر اساس گزارش‌های سالانه بانک مرکزی، برنامه‌ی تثبیت اقتصادی در سال ۱۳۴۱، به‌طور رسمی متوقف گردید. پس از آن، دولت با اقداماتی چون رفع محدودیت‌های تعرفه‌ای و میزان واردات کالاهای سرمایه‌داری، سعی بر احیای سرمایه‌گذاری خصوصی داشت، با این حال، این مهم تا پایان سال ۱۳۴۲ رخ نداد (کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

سال ۱۳۴۳، سال آغاز دوره‌ی گذار همه‌جانبه به اقتصاد سرمایه‌داری بوده است (فوران، ۱۳۸۶: ۴۷۰). پس از سال ۱۳۴۲، ایران با هر دو کشور پیشرو دنیای بلوک شرق و غرب (شوروی و آمریکا) روابط خود را ارتقاء داد. این دوره در سطح بین‌الملل دوره تنش‌زدایی میان شرق و غرب بود و بر این اساس، شاه با جلب توافق شرق و غرب توانست در حوزه سیاست داخلی استقلال عمل کافی به‌دست آورد. این استقلال نسبی منجر به شکل‌گیری توسعه اقتصادی در کنار سرکوب سیاسی گردید (زمانی، ۱۳۹۲: ۸۵). در واقع، سال ۱۳۴۳، سال آغازین دوره‌ای است که از آن با عنوان طولانی‌ترین دوره‌ی انباشت مستمر و پایدار در طول تاریخ ثبت شده‌ی اقتصاد ایران یاد می‌شود (کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

دوران رشد پایدار و صنعتی شدن در ایران تا سال ۱۳۵۱ ادامه یافت. انتخاب راهبرد جایگزینی واردات، همراه با افزایش عایدات نفتی و ثبات سیاسی کشور باعث انتظار دریافت سود بالا شد و از این رو، رشد بالا و پایدار بخش صنعتی ممکن گردید. در این دوران، بخش تولیدی ایران دو برابر رشد داشت و برابر با میزان رشد این بخش در سایر کشورهای در حال توسعه بود. در واقع، رشد چشمگیر صنعتی شدن با افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری در بخش عمران و دستگاه‌ها و ماشین‌آلات وارداتی به‌دست آمده بود. ویژگی مهم دیگر

صنعتی شدن ایران در خلال دوره‌ی ۵۱-۱۳۴۳، میزان قابل توجه ثبات قیمت‌ها بود که با رشد سریع تولید و بازده نیز همراه بود (Pesaran, 1985).

۳.۱.۴ گام سوم - شناسایی دوره‌های بازگشت رشد

دوره‌ی شتاب رشد در صورتی پایدار است که بازگشت‌پذیر نباشد. تعیین دوره‌(های) بازگشت رشد در پژوهش حاضر مطابق مطالعه‌ی گروس و همکاران (۲۰۱۸) صورت پذیرفته است که به روش کار آنان در بخش قبل اشاره گردید. جدول (۲)، نتایج حاصل از محاسبات مذکور را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج محاسبات مرتبط با بازگشت رشد اقتصادی در ایران طی بازه زمانی ۹۸-۱۳۳۴
منبع: یافته‌های پژوهش

سال آغاز بازگشت رشد (t)	رشد در دوران قبل از بازگشت درصد (t-5,t)	رشد در دوران پس از بازگشت درصد (t+5,t)	تفاوت در دوره‌های قبل و پس از بازگشت شتاب-درصد
۱۳۵۴	۷/۰	-۷/۵	-۱۴/۵
۱۳۶۴	۱/۵	-۳/۸	-۵/۴

همانطور که در جدول (۲) ملاحظه می‌گردد، اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۳۴، دو دوره‌ی بازگشت رشد را تجربه نموده است. اولین دوره به سال ۱۳۵۴ باز می‌گردد. رشد اقتصادی پس از سال مذکور (به مدت پنج سال)، به طور میانگین سالانه ۷.۵ درصد کاهش را تجربه نموده است. در سال ۱۳۵۲ و همزمان با آغاز برنامه عمرانی پنجم، درآمدهای قابل ملاحظه‌ی نفت موجب بروز عدم تعادل در اقتصاد کشور شد. افزایش سریع هزینه‌های دولت (به ویژه هزینه‌های جاری)، موجب آثار انبساطی بی‌سابقه‌ای بر نقدینگی اقتصاد و افزایش تقاضای موثر گردید. این امر، موجب شتاب بی‌رویه‌ی واردات و بهره‌برداری فشرده از تأسیسات زیربنایی موجود -علی‌رغم کمبود نیروی انسانی ماهر در تأسیسات- گردید. لذا، تشدید فشارهای تورمی ناشی از افزایش تقاضا، اقتصاد کشور را دچار عدم تعادل‌های اساسی کرد (نبیلی و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر، رشد اقتصادی غیر متوازن، اقتصاد کشور را کاملاً به نفت متکی کرد. درآمدهای نفتی نه تنها باعث تقلیل اختلافات سطح درآمدها بین ثروتمندان و فقرا نشد، بلکه آن را افزایش هم داد و عمدتاً به دلیل سیاست‌های دولت، بیشتر منافع نصیب طبقات بالا می‌شد (کدی، ۱۳۹۰: ۲۹۴). مجموعه‌ی این عوامل -که حکایت از

بیماری هلندی در اقتصاد ایران داشت - موجب گردید که از سال ۱۳۵۵، دوره‌ای از رکود اقتصادی به کشور تحمیل گردد. لذا، روند شتاب رشد که از سال ۱۳۴۴ آغاز شده بود، در سال ۱۳۵۴ به تدریج معکوس گردید و در نهایت، سال ۱۳۵۵ پایان یافت.

سال ۱۳۶۴، دومین سالی است که اقتصاد ایران بازگشت رشد اقتصادی را تجربه نموده است. بررسی تاریخی اقتصاد ایران نیز این موضوع را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، شاخص‌های اقتصادی تا سال ۱۳۶۴ - با وجود جنگ تحمیلی - در مقایسه با شاخص‌های بعد از جنگ وضعیت بهتری را نشان می‌دهد (عظیمی، ۱۳۸۰). در واقع، از سال ۱۳۶۵، رکود شدید اقتصادی بر شرایط اقتصادی ایران حاکم شد که در سال ۱۳۶۷ به عمق خود رسید. مهم‌ترین دلیل این رکود، کاهش بسیار شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی از آخرین ماه‌های سال ۱۳۶۴ بود. به طوریکه، قیمت هر بشکه نفت سبک از ۲۶ دلار در سال ۱۳۶۴ به ۱۳.۵ دلار در سال ۱۳۶۵ رسید (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۷۸). کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی در کنار تشدید حملات عراق به مراکز اقتصادی و غیرنظامی از عوامل اصلی بازگشت رشد اقتصادی در ایران بوده است.

به طور خلاصه، با مقایسه‌ی اهداف و عملکرد برنامه‌های توسعه در ایران ملاحظه می‌شود که وجه مشترک تمامی برنامه‌های توسعه، وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای پرنوسان نفت بوده و دستیابی به اهداف برنامه‌ها وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی داشته است. از این رو، باتوجه به نوسانات قیمت نفت تقریباً تمامی برنامه‌های توسعه در دستیابی به رشد اقتصادی پایدار موفق نبوده است (Jahangard & Ghazal, 2012: 94).

۲.۴ تجزیه شتاب رشد از نظر تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی

در این بخش به این پرسش اساسی پژوهش پاسخ داده می‌شود که: آیا شتاب رشد اقتصادی تجربه شده در ایران، به علت رشد سریع بهره‌وری نیروی کار بین‌بخشی بوده (مانند کشورهای آمریکای لاتین) و یا تغییرات ساختاری فزاینده (مانند کشورهای آفریقایی) موجب پدید آمدن دوره شتاب رشد در ایران شده است؟

بر اساس مدل انتقال سهم تعدیل یافته، مجموع بهره‌وری نیروی کار به دو جزء اثر درونی و اثر انتقال قابل تجزیه است. به منظور بررسی نقش عوامل مذکور در شتاب (های) رشد ایجاد شده در کشورها، باید رشد این عوامل محاسبه گردد. رشد بهره‌وری نیروی کار تحت مدل انتقال سهم تعدیل یافته به صورت زیر قابل تعریف است: (Diao and et al., 2019)

$$g_y^t = \sum_i \theta_i^{t-1} \pi_i^{t-1} g_{y_i}^t + \sum_i \Delta \theta_i^t \pi_i^{t-1} (1 + g_{y_i}^t) \quad (t \neq i) \quad (9)$$

در رابطه‌ی (۹)، $g_y^t = \frac{\Delta y^t}{y^{t-1}}$ و $g_{y_i}^t = \frac{\Delta y_i^t}{y_i^{t-1}}$ نرخ‌های رشد بهره‌وری نیروی کار و $\pi_i^t = \frac{y_i^t}{y^t}$ نیز، بهره‌وری نسبی نیروی کار در بخش i و θ_i سهم اشتغال بخش i از کل اشتغال است. به‌منظور محاسبه متوسط نرخ رشد سالانه‌ی اثر درونی و اثر انتقال در یک بازه زمانی معین (که در مطالعه‌ی حاضر ۶ سال است) برای بخش i به‌صورت زیر عمل می‌شود:

$$\bar{g}_i^{within} = \frac{1}{6} \sum_{t=1}^6 \theta_i^{t-1} \pi_i^{t-1} g_{y_i}^t \quad (10)$$

$$\bar{g}_i^{between} = \frac{1}{6} \sum_{t=1}^6 \Delta \theta_i^t \pi_i^{t-1} (1 + g_{y_i}^t) \quad (11)$$

از آنجایی‌که، \bar{g}_i^{within} و $\bar{g}_i^{between}$ به‌عنوان کسری از متوسط نرخ رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار در بازه‌ی زمانی معین تعریف شده‌اند؛ لذا، رشد بهره‌وری نیروی کار به‌صورت زیر قابل تعریف است:

$$\bar{g} = \sum_i \bar{g}_i^{within} + \sum_i \bar{g}_i^{between} \quad (12)$$

نتایج به‌دست آمده براساس مدل انتقال سهم تعدیل‌یافته در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج محاسبات مرتبط با رشد بهره‌وری نیروی کار (درون‌بخشی و تغییرات ساختاری)

در ایران طی دوره شتاب رشد (1344=t)

منبع: یافته‌های پژوهش

بخش	میانگین رشد بهره‌وری نیروی کار		میانگین رشد بهره‌وری درون‌بخشی		میانگین رشد تغییرات ساختاری	
	پیش از شتاب رشد (t-5,t)	در طی دوره شتاب رشد (t, t+5)	پیش از شتاب رشد (t-5,t)	در طی دوره شتاب رشد (t, t+5)	پیش از شتاب رشد (t-5,t)	در طی دوره شتاب رشد (t, t+5)
کشاورزی	۰/۶۷	۲/۸۹	۰/۷۱	۲/۹۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳
معادن	-۰/۲۶	۳/۸۲	-۰/۰۰۹	۰/۰۱۳	-۰/۲۵	۳/۸۰
صنعت	۳/۸۲	۳/۲۸	۱/۸۱	۱/۹۱	۲/۰۱	۱/۳۷
خدمات ^(۱)	۱/۰۷	۳/۳۸	۰/۴۱	۱/۷۱	۰/۶۵	۱/۶۶
کل	۰/۴۲	۰/۷۰	۰/۱۳	۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۳۲

(۱) شامل زیربخش‌های حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، خدمات موسسات مالی و پولی

و خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی است.

بر مبنای رهیافت اقتصاد دو گانه، اقتصاد از دو بخش معیشتی روستایی و صنعتی مدرن تشکیل شده است؛ بدین مفهوم که در مسیر توسعه یافتگی، ساختار اقتصاد کشورها از بخش کشاورزی و سنتی به بخش صنعتی و خدماتی تغییر می‌کند. بر این اساس، بخش کشاورزی، به‌عنوان بخش غیرمدرن و بخش‌های معدن، صنعت و خدمات به‌عنوان بخش مدرن در نظر گرفته می‌شوند. همانطور که در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، شتاب رشد در سال ۱۳۴۴، موجب افزایش میانگین رشد بهره‌وری نیروی کار در هر دو بخش سنتی و مدرن شده است. همچنین، تغییرات ساختاری نقش مثبتی را در افزایش رشد بهره‌وری نیروی کار به جز در بخش کشاورزی (سنتی) داشته است. این موضوع نشان‌دهنده جابه‌جایی نیروی کار از بخش‌های با بهره‌وری پایین‌تر به بخش‌های با بهره‌وری بالاتر است.

همچنین رشد بهره‌وری درون‌بخشی در هر دو بخش مدرن و غیرمدرن نقش مثبتی در رشد بهره‌وری نیروی کار داشته است. لازم به ذکر است که اگر بهره‌وری درون‌بخشی در بخش‌های مدرن، ایستا باشد و یا کاهش یابد، پایداری رشد اقتصادی در آن کشور دچار چالش شده می‌شود. در واقع، رشد بهره‌وری بخش‌های مدرن از الزامات و شروط اساسی توسعه یافتگی و پایداری شتاب رشد است (Diao and et al., 2019). از آنجایی که رشد بهره‌وری درون‌بخشی مستلزم سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فناوری‌های نوین (به‌خصوص در بخش کشاورزی) و بهبود وضعیت متغیرهای نهادی است (Rodrik, 2013)؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که قابلیت بنیان‌ها (سرمایه انسانی و نهادها) در دوران شتاب رشد اقتصادی ایران تقویت شده و رشد حاصله در دوران شتاب رشد، سریع و پایدار بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

امروزه، دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار، در زمره مهم‌ترین اهداف کشورها - به‌ویژه کشورهای در حال توسعه - است و راهبرد رشد موفقیت‌آمیز در کشورها، بر تلاشی دو جانبه استوار می‌باشد: یک راهبرد کوتاه‌مدت با هدف تحریک رشد و دیگری راهبرد میان‌مدت تا بلندمدت با هدف حفظ و تداوم بخشیدن به رشد (رودریک: ۱۳۹۷). از آنجایی که پی‌ریزی اصلاحات نهادی عمیق و گسترده، زمان‌بر است و در عین حال به‌طور مستقیم ضروری‌ترین فرصت‌های پیش‌روی اقتصاد را هدف قرار نمی‌دهد، ممکن است در بادی امر، موثرترین راه برای ارتقای رشد اقتصادی نباشد. به‌عبارت دیگر، کشورها برای شروع رشد، نیاز به انجام

اصلاحات گسترده نهادی ندارند و می‌توانند با انجام تغییرات نهادی حداقلی در کوتاه‌مدت به رشد اقتصادی پرشتاب دست یابند.

هدف مطالعه حاضر، بررسی دوره‌های شتاب و بازگشت رشد اقتصادی در ایران طی بازه زمانی ۹۸-۱۳۳۴ است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که طی دوره مورد بررسی، اقتصاد ایران تنها یکبار شتاب رشد اقتصادی را تجربه نموده است. دوره شتاب تجربه شده از سال ۱۳۴۴ آغاز گردیده و ضمن آنکه سریع و پایدار بوده، حدوداً یک دهه به‌طول انجامیده و در سال ۱۳۵۵ پایان یافته است.

همچنین، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در بازه زمانی شش ساله پیش از آغاز شتاب رشد، ۵ درصد بوده که شش سال پس از سال شروع شتاب رشد (۱۳۴۴)، به ۸.۷ درصد افزایش داشته است. صنعتی شدن از طریق راهبرد جایگزینی واردات، افزایش عایدات نفتی و ثبات سیاسی از عوامل مؤثر و محرک شتاب رشد و بخش‌های صنعت و خدمات مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی مؤثر بر شتاب رشد در سال‌های اولیه بوده‌اند.

نتایج حاصل از روش انتقال سهم تعدیل یافته نشان می‌دهد که در سال ۱۳۴۴، هر دو عامل تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی در ایجاد شتاب رشد تأثیر مثبت داشته‌اند. از نظر بخش‌های اقتصادی، تغییرات ساختاری در بخش مدرن و حرکت نیروی کار از بخش‌های با بهره‌وری پایین به بخش‌های با بهره‌وری بالاتر، موجب رشد بهره‌وری نیروی کار طی دوران شتاب رشد شده است. همچنین، رشد بهره‌وری درون‌بخشی در هر دو بخش مدرن و غیرمدرن نقش مثبتی در رشد بهره‌وری نیروی کار داشته و تقریباً مشابه با تغییرات ساختاری عمل نموده است.

اقتصاد کشور در دو سال ۱۳۵۴ و ۱۳۶۴ بازگشت رشد اقتصادی را تجربه نموده که در هر دو مورد، کاهش درآمدهای حاصل از نفت نقش قابل ملاحظه‌ای در ایجاد رکود شدید اقتصادی داشته‌اند. همچنین، سال ۱۳۵۴ با دوره‌ی شتاب رشد تجربه شده در اقتصاد ایران هم‌پوشانی داشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری مونا امیری به راهنمایی دکتر اسفندیار جهانگرد و دکتر محمد قاسمی ششده و مشاوره دکتر سیروس امیدوار در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است.

۲. روش شاخص عددی، روشی مناسب در محاسبات رسمی و مستمر بهره‌وری است که در مراکز آماری اغلب کشورها و همچنین، توسط سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان بهره‌وری آسیایی (APO) و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از این روش، می‌توان شاخص‌های مختلف بهره‌وری را برای کل اقتصاد و همچنین، بخش‌های اقتصادی محاسبه نمود. از جمله مزایای این روش، سهولت به‌هنگام‌سازی شاخص‌های بهره‌وری می‌باشد (اداره حساب‌های اقتصادی، ۱۳۹۷). لذا، بهره‌وری نیروی کار بخش‌های اقتصادی با روش شاخص عددی محاسبه شده‌اند.

کتاب‌نامه

- آهنگری، عبدالمجید، خرمزاده، آذین (۱۳۹۱)، بررسی اثر تغییرات ساختار اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی ایران: با تأکید بر تولید، صادرات و بهره‌وری نیروی کار، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱.
- اداره حساب‌های اقتصادی (۱۳۹۷)، بهره‌وری در اقتصاد ایران (۱۳۹۵-۱۳۷۵)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اردیبهشت ۱۳۹۷.
- امیدپور، سمانه (۱۳۹۰)، *اثر تغییرات ساختاری اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز: گروه علوم اقتصادی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- اسنودان، برایان، آر.وین، هوارد (۱۳۹۳)، اقتصاد کلان جدید (منشأ سیر تحول و وضعیت فعلی)، ترجمه دکتر منصور خلیلی عراقی و دکتر علی سوری، انتشارات سمت، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۳.
- جهانگرد، اسفندیار، اقلامی، سمیه (۱۳۸۹)، بررسی و ارزیابی آثار قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه بر شتاب رشد اقتصادی در ایران، *فصلنامه پول و اقتصاد*، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹.
- دژپسند، فرهاد، رئوفی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ دوم.
- رضانژاد امیردهی (۱۳۸۹)، *بررسی شتاب رشد اقتصادی در ایران و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مازندران: دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران.

رودریک، دنی (۱۳۹۷): یک علم اقتصاد؛ تجویزهای بسیار، ترجمه هادی ورتایبان کاشانی، انتشارات پیک نور، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷.

زمانی، رضا (۱۳۹۲)، مطالعه فرآیند توسعه اقتصادی ایران طی یکصد سال اخیر با استفاده از رهیافت نظم اجتماعی نورث، والیس و وینگاست، رساله دکتری، تهران: دانشکده اقتصاد، رشته علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی.

سیر، سهیلا (۱۳۹۵)، تغییرات ساختار اقتصادی ایران: تحلیل داده-سستانده؛ پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، مازندران: دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران.

عظیمی، حسین (۱۳۸۰)، تحلیل شرایط و سیاست‌های اقتصادی در دوره‌ی جنگ ایران و عراق، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۰.

فوران، جان (۱۳۸۶)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ هفتم.

کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، مترجمان: یوسف حاجی عبدالوهاب، علی اصغر سعیدی، انتشارات گام نو، چاپ اول.

کدی، نیکی، اندیشه‌های انقلاب اسلامی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر علم، ۱۳۹۰.

نیلی، مسعود، درگاهی، حسن، کردبچه، محمد، نیلی، فرهاد (۱۳۹۱)، دولت و رشد اقتصادی در ایران، نشر نی، ویراست سوم.

واعظی‌زاده، ملیحه (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر تغییرات ساختاری بر سهم اشتغال در ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب گروه OECD؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- Alege, P. O. (2008), Macroeconomic policies and business cycles in Nigeria: 1970-2004, Doctoral dissertation, Covenant University.
- Berthelemy, Jean-Claude (2018), Growth accelerations, structural change, and poverty reduction in Africa, African Economic Outlook.
- Diao, X, McMillan, M, Rodrik, D (2019), the recent growth boom in developing economies: A Structural-Change Perspective, The Palgrave Handbook of Development Economics.
- Easterly, W, Kremer, M, Pritchett, L, and Summers, Lawrence H. (1993), "Good Policy or Good Luck? Country Growth Performance and Temporary Shocks," Journal of Monetary Economics.
- Eichengreen, B, Park, D, Shin, K (2014), Growth Slowdowns Redux, National Bureau of Economic Research.

- Gruss, B, Nabar, M, Poplawski-Riberiro, M (2018), Growth Accelerations and Reversals in Emerging Market and Developing Economies: The Role of External Conditions, IMF Working Papers.
- Hausmann, R, Pritchett, L, Rodrik, D (2005), Growth Accelerations; National Bureau of Economic Research, Cambridge, Ma 02138, June 2004.
- Jahangard, E, Ghazal, R (2012), Medium Term Plans, Regulation Reforms and Economic Growth Performance in Iran, Journal of Money & Economy, Vol. 6, No. 3, Spring 2012.
- Jong-A-Pin, Richard, and Jakob de Haan (2011). 'Political Regime Change, Economic Liberalization and Growth Accelerations', Public Choice, Vol. 146, No. 1, pp. 93–115.
- Jones, Benjamin F., Olken, Benjamin A. (2007), the Anatomy of Start-Stop Growth, National Bureau of Economic Research.
- McMillan, M, Rodrik, D, Sepulveda, C (2017); Structural Change, Fundamentals and Growth: A Framework and Case Studies; National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA 02138, May 2017.
- Marjanovic, V. (2015), Structural Changes and Structural Transformation in a Modern Development Economy, Economic Themes, 53(1): 63-82.
- Pesaran, M.H. (1985), Economic Development and revolutionary upheavals in Iran, the Macmillan Press LTD.
- Rodrik, D (2013), Structural change, fundamentals, and growth: an overview, Institute for Advanced Study, September 2013.
- Timmer, M and G, vaies. (2008), "Structural Change and Growth Accelerations in Asia and Latin America: a New Sectoral Data Set", Cliometrica, Vol. 3.